

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۸۲ - ۲۶۱

تبیینی از سعادت محوری بر مدیریت سازمان از منظر تعالیم اسلامی

علیرضا نوبری^۱

چکیده

در راستای توجه به منویات مقام معظم رهبری در مورد توجه به مسائل مربوط به علوم انسانی و اجتماعی، در کنار این آموزه‌های اسلامی، محققین علوم اجتماعی و مدیریت در سراسر جهان به نتایجی از رفتار انسان و محیط دست یافته‌اند که بسیاری از جوامع آنها را در امور اجتماعی و سازمانی خود بکار بسته و با برنامه‌ها و تصمیمات خود پیوند زده‌اند، در حالی که بسیاری از آنها در اصول دین ما مسلمانان و دستورات دینی اسلام در ابعاد مختلف یافت می‌شود که با کاربست آنها می‌توان در کنار اهداف دنیوی یعنی امور اجتماعی و سازمانی انسان، سعادت اخروی را نیز میسر نماید، که تلفیق این دو مقوله مهم در عرصه مدیریت و علوم اجتماعی از وظایف اندیشمندان و محققین اسلامی این عرصه می‌باشد.

در این تحقیق با روش مطالعه هرمنوتیک با بهره‌گیری از تفاسیر و تاویل قرآن کریم و منابع درسی مدیریت برآنیم با نگاهی متفاوت ماهیت سازمان و فلسفه مدیریت و نقش کلیدی انسان در آن را با فلسفه خلقت انسان و فراز و نشیب زندگی و مشیت الهی در رسیدن به سعادت و کمال پیوند زده و در عظمت دین مبین اسلام خاطر نشان سازیم که هر آنچه در علوم امروزه و آینده به آن دست یافته و خواهیم یافت.

واژگان کلیدی

منابع انسانی، مدیریت سازمانی، سعادت بشر، تعالیم اسلامی.

۱. استادیار گروه مدیریت، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

طرح مسأله

از ابتدای دوره هخامنشی که تمام ایران کنونی به اضافه قسمتهایی از کشورهای همسایه تحت یک فرمان درآمد، تقریباً دو هزار و پانصد سال می‌گذرد. از این بیست و پنج قرن، نزدیک چهارده قرن آن را ما با اسلام به سر برده ایم و این دین در متن زندگی ما وارد و جزء زندگی ما بوده است؛ با آداب این دین کام اطفال خود را برداشته ایم، با آداب این دین زندگی کرده ایم، با آداب این دین خدای یگانه را پرستیده ایم، با آداب این دین مرده‌های خود را به خاک سپرده ایم. تاریخ ما، ادبیات ما، سیاست ما، قضاوت و دادگستری ما، فرهنگ و تمدن ما، شوون اجتماعی ما، و بالاخره همه چیز ما با این دین توأم بوده است نیز به اعتراف همه مطلعین، ما در این مدت خدمات ارزنده و فوق‌العاده و غیر قابل توصیفی به تمدن اسلام نموده ایم و در ترقی و تعالی این دین و نشر آن در میان سایر مردم جهان، از سایر ملل مسلمان - حتی خود اعراب - بیشتر کوشیده ایم. هیچ ملتی به اندازه ما در نشر و اشاعه و ترویج و تبلیغ این دین فعالیت نداشته است. (مطهری، ۱۳۷۵، ص. ۵۳)

حیات طیبه‌ی اسلامی شامل دنیا و آخرت است. مسئله این است که زندگی دنیوی - که به سمت اهداف الهی حرکت می‌کند - باید زندگانی حقیقی و راستین عادلانه را برای مردم تأمین کند. در اسلام، عدالت مسأله‌ی بسیار مهمی است. ارزشی که از نظر اسلام به هیچ وجه و در هیچ شرایطی مورد مناقشه قرار نمی‌گیرد. عدالت، هدف پیغمبران است؛ هدف انقلاب اسلامی هم بوده است. در سایه‌ی عدالت، زندگی مردم می‌تواند با رفاه و توسعه‌ی مادی به سمت اهداف معنوی هم حرکت کند (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴: ۶۷). بنابراین، آن چیزی که ما به آن نیاز داریم تهیه نقشه‌ی پیشرفت کشور بر اساس جهان‌بینی اسلام برای انسان در منطق اسلام است. در این نقشه‌ی پیشرفت و تحول معنا ندارد که پیشرفت با فحشا، با غوطه خوردن در منجلاب فساد همراه باشد. معنویت، پایه‌ی اساسی این پیشرفت خواهد بود. پیشرفتی که محورش انسان است و انسانی که دارای بُعد معنوی قوی است، انسانی که علم، دنیا، ثروت و فعالیت زندگی را وسیله‌ای قرار می‌دهد برای تعالی روحی و رفتن به سوی خدای متعال (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۳۰-۳۳)

علوم انسانی، دو سه قرن است که در دنیا ابداع شده و اشخاصی روی آن فکر کرده‌اند، کار کرده‌اند، مسائلی را به وجود آورده‌اند، بعضی هم که [ابداع آنها] به قرن نهم رسد، چندین دهه است که دارند روی آن کار میکنند؛ یعنی به اصطلاح چیزهایی جزو علوم مختلف انسانی هستند که برای ما حکم واردات را پیدا میکنند؛ حالا غیر از فلسفه و ادبیات و مانند این چیزهایی که مربوط به خود ما است، مسائلی به وجود آمده، سرفصل‌هایی تولید شده، روی آن کار شده، فکر شده، نقد شده، چند لایه ردوبدل شده - این کارها انجام گرفته - ما حالا میخواهیم وارد بشویم و این مسائل را از آن ریشه‌ی به اصطلاح غیر دینی یا بعضاً ضدّ دینی آن جدا کنیم و به یک منشأ قرآنی و یک منشأ دینی و وحیانی متصل کنیم. خب این خیلی مهم است؛ این یک تسلط اساسی بر کارهای دیگران لازم دارد؛ ما باید بدانیم که دیگران در این زمینه‌ها چه کرده‌اند. [دانستن] کارهایی که آنها انجام داده‌اند، پیشرفتهایی که آنها انجام داده‌اند، از مسائلی است که مورد نیاز است و باید کار بشود (بیانات امام خامنه ای ۹۶/۳/۱).

بنابراین نه تنها حق داریم بلکه مسئولیم در راستای دانش و تخصصمان روابط علوم و یافته‌های امروزی را با آیین و آداب و قوانین اسلامی مورد بررسی و مطالعه قرار داده و در شناساندن جامعیت آن به عنوان دین سعادت و کمال انسان بکوشیم .

با توجه به رشد سریع و گسترش اسلام در جهان و تقارن موج آزادخواهی‌های مسلمانان در نقاط مختلف جهان به ویژه خاورمیانه این تفکر قدرت می‌یابد که مسلمانان در نگرش خود بر محیط پیرامون خود دارای بینش جدید و متفاوتی نسبت به گذشته یافته‌اند، و کشورهای غیر اسلامی و غرب به این نتیجه رسیده‌اند که خواسته‌های مسلمانان رنگ و بوی جدیدی دارد.

لذا این انتظار می‌رود که این تحولات در ابعاد مختلفی باشد. تا کنترل و دخالت آنها را در مبانی مختلف و علوم گوناگون میسر سازد. در این بین بیش از خود مسلمانان، ادیان و ملل دیگر چشم به این تحولات دوخته‌اند و در صورت تحقق آرمانهای اسلامی و انسانی و عدل و مساوات در این کشورها، تمایلات و رشد جمعیتی این دین ناب محمدی (ص) گسترش بیش از پیش خواهد یافت، و این مقدور نخواهد بود مگر با گسترش علوم

اسلامی، که در صورت بومی سازی و مطالعه دقیق در آن مشتمل بر تمام علوم خواهد بود. و این گسترش، زمانی تحقق می یابد که مطالعات قرآنی چنان با علوم روز منطبق گردد که خواننده و محقق را به تفکر جدیدی تحت عنوان رشته های بین رشته ای واداشته و به این نتیجه برساند که هر آنچه که امروز به عنوان علوم نوین و نظریه پردازی به دست دانشمندان ظهور می کند، در گذشته دور در سینه پیامبران و امامان دین اسلام و کتب آسمانی آنها، به ویژه خاتم انبیاء محمد مصطفی (ص) و قرآن مجید بوده است که در صورت تعمق و تمسک به آنها خوشبختی و هدایت و سعادت انسان حتمی خواهد بود. چرا که به فرمایش مقام معظم رهبری: الگوهای غربی با شرایط، مبانی ذهنی و اصول خودشان شکل پیدا کرده و ناموفق بوده اند. بنده به طور قاطع این را می گویم: الگوی پیشرفت غربی، الگوی ناموفق است. درست است که به قدرت رسیده اند، به ثروت رسیده اند؛ اما بشریت را دچار فاجعه کرده اند.

ایشان همچنین در دیدار با بانوان قرآن پژوه کشور می فرمایند: «این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه ای، بدون اینکه هیچگونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، می آوریم تو دانشگاه های خودمان و در بخشهای مختلف اینها را تعلیم می دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخشهای مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب نظران در علوم مختلف انسانی می توانند بر این پایه و اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آن وقت می توانند از پیشرفتهای دیگران، غربی ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبانی قرآنی باشد.» (۸۷/۷/۲۸)

امروزه بیشتر نظام های کلامی در غرب با تفکر اومانیستی، انسان شناسی را بر خداشناسی مقدم ساخته اند. متکلم مجتهد - نه مقلد - نباید اجازه دهد تحولات اساسی سده های اخیر در تمدن مغرب زمین، دامن گیر او گردد؛ زیرا انحراف از مسیر تفکر و بی اعتبار دانستن کتاب مقدس، بزرگ ترین عامل سنت ستیزی و سنت زدگی در این سرزمین شده

است؛ بر این اساس، توجه به تحولات جدید، داشتن دغدغه خلوص دینی، نداشتن روحیه عافیت طلب، سهل انگار و تقلیدی و پرهیز از خودباختگی فرهنگی از ضرورت های یک متکلم است تا در ارائه راه حل مباحث کلامی، کامیاب باشد. در برخی از مدل های کلام جدید، مباحث انسان شناسی مقدم می شود. در این مباحث به تقسیم نیازهای مادی (فیزیکی و زیست شناختی) و معنوی (اخلاق و روحی) فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی، درونی و بیرونی، عمومی و خصوصی و بهنجار و نابهنجار پرداخته می شود و نیازهای انسانی را که دین، شایسته و بی بدیل به آنها پاسخ می دهد، شناسایی می کند. (خسروپناه، ۱۳۸۸، ۳۸)

فلسفه خلقت انسان و مدیریت

نگرش سیستمی از دیدگاههایی است که از یونان باستان سابقه ای تحلیلی داشته و امروزه نیز به عنوان یکی از روشهای تجزیه و تحلیل مجموعه ها به کار می رود. از دیدگاه سیستم عقلایی، سازمانها ابزاری هستند که به منظور دستیابی به اهداف خاص طراحی شده اند. اینکه یک ابزار بی حاصل بوده و یا مثرثمر، به عوامل بسیاری بستگی دارد. (سیدجوادین ۱۳۹۱، ۷۳)

انسان نیز در این دیدگاه و در قالب یک سیستم قابلیت مطالعه دارد. در بخش نهاده، ژنهای والدین که حاوی بسیاری از دیدگاهها و استعدادها بالقوه نیک و بد است و قرآن کریم تاکید فراوانی بر این بخش از ابتدای تشکیل نطفه دارد، به طوری که می فرماید:

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا . (انسان، ۲)

یعنی، ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می آزمائیم (لذا) او را شنوا و بینا قرار دادیم.

واژه «نبتلیه» اشاره به رسیدن انسان به مقام تکلیف و تعهد و مسؤولیت و آزمایش و امتحان دارد، و این یکی از بزرگترین مواهب خداوند است که به انسان کرامت فرموده و او را شایسته تکلیف و مسؤولیت قرار داده است. و از آنجا که آزمایش و تکلیف بدون آگاهی ممکن نیست، در آخر آیه اشاره به ابزار شناخت و چشم و گوش می کند که در اختیار انسانها قرار داده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ص. ۲۵/۳۳۵)

پس این امکان خودشکوفایی در همان لحظه‌ی تشکیل نطفه در بشر ایجاد می‌شود و تا روز تولد ادامه دارد. در بخش فرآیند سیستم، پس از تولد در محیط خانواده و محیط جامعه تحت تعلیم و ترتیب قرار گرفته و شخصیت او شکل می‌گیرد، به طوری که پس از بلوغ با استفاده از قوه‌ی تجزیه و تحلیل خود و با استفاده از کاملترین مرجع و راهنمای هستی یعنی قرآن و احادیث و روایات به عنوان یک ریشه اخلاقی واحد به خودسازی می‌پردازد تا آنچنانکه حق تقوا و پرهیزکاری است رفتار نماید که در سوره آل عمران آیه ۱۰۲ چنین می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آنگونه که حق تقوی و پرهیزکاری است از خدا پرهیزید و از دنیا نروید مگر این که مسلمان باشید. (باید گوهر ایمان را تا پایان عمر حفظ کنید). که در اینجا منظور از مسلمان بودن، نه تنها مسلمان اسمی است بلکه مسلمان کسی است که تسلیم اوامر خالق هستی باشد. محصول و ستاده این سیستم بنده‌ای است وارسته، تحت جاذبه ارتباط با "رب العالمین" که با کوله باری از حسنات راهی آخرت می‌شود و از انواع نعمات جسمانی و روحی که ابعاد آن برای ما ناشناخته است بهره مند می‌گردد.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا.

و کسانی که ایمان آورده اند و عمل های شایسته به جا آورده اند به زودی آنها را در بهشت هایی که از زیر (ساختمان ها و درختان) آنها نهرها جاری است درمی آوریم، که در آن جا برای ابد جاودانه اند، وعده حقی است که خدا داده، و چه کسی در گفتار از خدا راستگوتر است؟ (نساء، ۱۲۲).

با توجه به این که هر سیستم نیازمند بازخوردی است تا ضمن کنترل و تطبیق فرآیند با هدف، در رفع اشکالات و نواقص برآید. سیستم کنترل اسلام بر مبنای یک تفکر خود کنترلی است یعنی شخص هر لحظه خود را تحت نظارت حکیمانه خداوند احساس کرده و بر طبق آیات کلام الله هیچ نقطه ای را در هیچ مقطع و زمانی فارغ از وجود او نمی‌داند.

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَ

لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَّبِعُوا مَا عُلِّمُوا تَتَّبِعُوا (اسراء، ۷)

همچنین در سوره مبارکه حشر مومنین سفارش می شوند که به خویشتن برگردند، اندیشه و عمل خویش را به محاسبه بکشند و هر کس باید دقت کند که برای فردای خود چه چیزی از پیش فرستاده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (حشر، ۱۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و هر کسی باید (به دیده دل) بنگرد چه چیزی برای فردا (ی خویش) پیش فرستاده و از خدا پروا کنید، که خدا از آنچه می کنید آگاه است.

باورهای اعتقادی، به ویژه اعتقاد به خدا و معاد، ضامن اجرایی ارزشها و هنجارهای دینی هستند و این ضمانت اجرایی، در کنترل جامعه و سلامت آن نقش بسزایی دارد؛ به عبارت دیگر، افراد جامعه و حکومت با دو روش، کنترل و نظارت می شوند؛ نخست نظارت بیرونی که از طریق احکام جزایی و کیفری صورت می پذیرد؛ دوم، نظارت درونی که از طریق باورهای اعتقادی تحقق می یابد و این نوع نظارت، علاوه بر هزینه کم، تاثیر و نقش بیشتری را ایفا می کند. (خسروپناه، ۱۳۸۸، ۲۹۱)

لذا این سیستم از طریق "توبه" قابلیت جبران و بازسازی را در فرد ایجاد می نماید. و وظیفه هر مسلمان است که جهت تسریع و بهینه سازی این مهم در محیط زندگی به توصیه قرآن کریم به امر به معروف و نهی از منکر مبادرت ورزیده و با استفاده از این اهرم قدرتمند با امید بخشیدن به عنایات خداوند مانع بی تفاوتی در جامعه شوند.

وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران، ۱۰۴)

باید از میان شما طایفه ای باشند که مردم را به سوی خیر دعوت نموده، امر به معروف و نهی از منکر کنند. و این طایفه همانا رستگارانند.

انسان، نیازمند چیست؟

خداوند انسان را نیز همچون تمام موجودات زنده نیازمند آفریده است، و فلسفه این نیاز در انسان حرکت به سوی کمال است. اگر مجموعه‌ی نیازمندیهای موجودات زنده نبود، هر گونه پویایی، رشد و کمال متوقف می‌گردید. این ویژگی مهم انسان است که در طول تاریخ موجبات مطالعات عدیده‌ای را فراهم آورده است. از تجزیه و تحلیل روانی فروید در شخصیت انسان که آنرا به "اید"، "راگو" و "سوپرالگو" تقسیم کرده تا رفتار یون، انسان‌گرایان، پدیده‌شناسان و اگزستانسیالیسم‌ها که هر کدام به نحوی غرایز و تمایلات جنسی و جسمی انسان را در ارزشهای اخلاقی و اراده و اختیار او در محیط‌های مختلفی چون سازمانها مطالعه کرده و گاهی به آن شکل فلسفی نیز داده‌اند، به جز بشر که با حشر انسانی محشور می‌شود، سایر موجودات ابتدا و انتها شروع و پایانی دارند. البته در این که حیوانات نیز محشور می‌شوند در سوره تکویر به آن اشاره شده است. تفصیل مطلب به بحثی گسترده نیاز دارد، ولی معاد و قیامت و زندگی در عالم آخرت، مقصد اصلی انسان‌ها است.

انسان می‌خواهد به «حق مطلق» برسد تا فانی در خدا شود. اصولاً اشتیاق به زندگی ابدی در نهاد هر انسانی نشانه وجود جهان جاوید و مصون از مرگ است. (رحیم پور، ۱۳۸۵، ۲۲)

اگر انسان باورش آمد که یک مبدی برای این عالم هست، و یک بازخواستی برای انسان هست در یک مرحله بعد، مردن فنا نیست، مردن انتقال از یک نقص به کمال است؛ اگر این را باورش بیاید، این انسان را نگه می‌دارد از همه چیزها، از همه لغزشها. (همان منبع، ۱۱)

چون که دانستی که هر کسی مرکب است از نفس و بدن، پس بدان که حقیقت آدمی و آنچه به سبب آن بر سایر حیوانات ترجیح دارد همان «نفس» است که از جنس ملائکه مقدسه است. و «بدن» امری است عاریت، و حکم مرکب از برای نفس دارد، که بدان مرکب سوار شده و از عالم اصلی و موطن حقیقی به این دنیا آمده، تا از برای خود تجارتی کند و سودی اندوزد، و خود را به انواع کمالات بیاراید، و اکتساب صفات حمیده

و اخلاق پسندیده نماید، و باز مراجعت به وطن خود نماید. (نراقی، ۱۳۹۵، ۱۵)

پس نیاز اصلی و عمده انسان‌ها ارضا شدن با زندگی حیوانی و مادی نیست. خداوند روح انسان را بر می‌گزیند و به نفخه‌ای از خود، با جسمی کاملاً مادی و زوال‌پذیر به نام بدن، آشنا می‌کند و او را با چنین حربه‌ای می‌آزماید تا دوباره آن را به سوی خود بخواند و در سرای ابدی به آن چه در این دنیا پرداخته، سزایش دهد. در نتیجه انسان به چیزی فراتر از عالم طبیعت یعنی مسائل مربوط به روح و به تعریف روشن‌تر معنویت نیازمند است.

معنویت دینی باید عنصری اصلی در حرکت و پژوهش علمی قرار گیرد، در این صورت اخلاقی شدن جامعه نیز تحقق پیدا خواهد کرد (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۱۸۵)

معنویت دینی با پیشرفت‌های زمان نه تنها مخالف نیست، بلکه متدینین و اهل معنار را در جهت دست‌یابی به پیشرفت مادی و معنوی سوق می‌دهد و تفکری که امروز از طریق انقلاب به دنیا عرضه شده بسیار نو و مبتنی بر مذهب است. تحلیل‌ها و نگرش‌های مادی مدرنیسم را از تفکرات الهی و معنوی جدا می‌کنند، هر چیز مذهبی و معنوی - چه اسلامی و چه غیراسلامی - متعلق به گذشته و ارتجاعی به حساب می‌آید. هر چیز نو و مدرن به این معنا بود که به حتم ضد مذهبی و غیرمعنوی است. این برداشت غلط از مذاهب بود. اما تفکر معنوی عرضه شده در انقلاب اسلامی به دنیای کنونی تفکری پویا و پیشرفته است (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸: ۴۹۵)

معنویت اسلامی معنویتی جامع و دربردارنده‌ی همه ابعاد زندگی است. معنویت در اسلام و مکتبی که اهل بیت عصمت و طهارت: آن را در قول و فعل خویش معرفی کردند معنویت در متن زندگی است و در همه چالش‌ها و تضادهای زندگی حضور فعال دارد. (همان، بیانات، ۱۳۸۶: ۹۹)

مدیریت یکی از ارکان زندگی اجتماعی است؛ زیرا در اجتماع، منافع و مقاصد افراد و سرنوشت اشخاص با یکدیگر ارتباط و اشتراک پیدا می‌کنند. ضرورت مدیریت در زندگی اجتماعی تا آنجاست که حتی بسیاری از حیوانات که بصورت اجتماعی زندگی می‌کنند براساس فرمان غریزه، مدیری را برمی‌گزینند. حال انسانها که بصورت اجتماعی

زندگی می‌کنند، بطریق اولی نیازمند سازماندهی، برنامه ریزی و سیستمی هستند که بتواند آنها را به اهدافشان رهنمود سازد. مدیریت و راهکارهای آن و تربیت مدیران لایق از اهم مبانی فکری دینی محسوب می‌شود. انسان نمی‌تواند به گونه‌ای ناموزون و همچون وصله ای ناهم‌رنگ در جهان هستی زندگی کند. او به همان اندازه که از نظام، تشکیلات و مدیریت فاصله گیرد با شکست و ناکامی روبرو خواهد شد و محکوم به فناست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۲۱)

دانشمندان مختلفی در خصوص نیازهای مادی انسان مطالعاتی انجام و آنها را طبقه بندی کرده‌اند که از معروف ترین آنها جامعه شناسی آلمانی آبراهام مازلو است که نیازها را در مطالعات تکمیلی خود به پنج دسته طبقه بندی نموده است. ۱- نیازهای فیزیولوژیکی ۲- نیازهای ایمنی ۳- نیازهای اجتماعی یا تعلق ۴- نیازهای قدر و منزلت ۵- نیازهای خودیابی یا تحقق ذات.

او معتقد است که این نیازها به ترتیب در اشخاص ظاهر می‌شوند. لیکن مهمترین خلع محسوس در این نظریه عدم توجه به ادامه حیات پس از مرگ می‌باشد، توجه مادی به زندگی و غفلت از یاد خداوند چنین سلسله مراتبی را ایجاد می‌نماید. خداوند متعال در قرآن مغضوبین (منکرین متفکر) و ظالین (گمراهان بی‌خبر) را در مقابل بندگان و مومنین یاد می‌کند که مورد رحمت حق تعالی بوده و نعمت عطا شده‌اند، در سوره مبارکه " فاتحه الكتاب " هستند و در آیه ۶۹ سوره نساء به چهار گروه نبیین، متقین، شهدا و صالحین نام برده شده‌اند که در ارضای نیازهای فیزیولوژیکی حداقلی خود در پیمودن صراط مستقیم ربشان و کسب رضای او از هیچ کاری دریغ نمی‌کنند و با یاد او آرامش و امنیت روحی یافته‌اند " الا بذکر الله تطمئن القلوب ".

با وجود و ارضای تمام نیازهای سلسله مراتب فوق اگر یاد خداوند در دل انسان نباشد به فرمایش قرآن زندگی پراضطرابی خواهد داشت.

در سوره طه آیه ۱۲۴ می‌فرماید: *وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى* یعنی و هر که از یاد من روی گرداند حتماً برای او زندگی تنگی خواهد بود (هر چند دارای مال و منال وافر باشد، به لحاظ انقطاع از غیب، و عدم قناعت

نفس و طلب زیادی و تزلزل موارد اتکاء و خوف از حوادث) ، و روز قیامت او را نابینا محسوس می کنیم. وجه بی ارزش است موقعیتهای دنیوی در مقابل آخرت . کلام و سیره معصومین (ع)، درس زندگی سعادت‌مند در این دنیا و رستگاری آخرت برای انسان است. همان‌طور که در معیارهای استخراج شده مشاهده شد، معارف اسلامی فقط به یک بعد انسان نمی‌پردازد و انسان را در تمام ابعاد وجودی رشد می‌دهد. براین اساس می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که در رویکرد اسلامی، نظامی جامع و همه‌جانبه در مقام تعریف ویژگی‌های مدیران مد نظر است که ابعاد درونی ساختاری، رفتاری را بصورت همزمان پوشش می‌دهد.

سعادت بشر یا اهداف سازمانی

سعادت در فرهنگ ملت‌های مختلف تعاریف متفاوتی دارد و هر یک از اقوام بشری سعادت را به گونه‌ای خاص تعریف نموده و مطابق با آن تعریف مصداق خاصی را برای آن بیان می‌کنند. بعنوان مثال عده‌ای سعادت را در تمول و مال می‌دانند و اقوام دیگر جمال و عده‌ای دیگر کمال را موجب سعادت می‌دانند اما اگر به فرهنگ اسلامی خودمان مراجعه کنیم و بخواهیم سعادت را از نظر اسلام جویا شویم باید به کتاب آسمانی مان یعنی نسخه شفا بخش حیات آدمی و دستورالعمل زندگانی خود که همان قرآن مبین است رجوع نماییم. قرآن کریم حیاه طیبه یا سعادت حقیقی را اینگونه و در نتیجه چنین اعمالی دست یافتنی می‌داند که:

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل آیه ۹۷)

مفسران قرآن؛ معانی متعددی برای «حیات طیبه» ذکر کرده‌اند؛ مانند:

۱. روزی حلال (طوسی، ج ۶، ۴۲۴)
 ۲. قناعت و خشنودی از قسمت الهی (کاشانی، ج ۱، ۶۶۲)
 ۳. عبادت توأم با روزی حلال (دمشقی، ج ۴، ۵۱۶)
 ۴. زندگانی در طاعت خداوند (رازی، ج ۱۲، ۸۹)
- البته با توجه به نتایجی که از انجام عمل صالح نصیب مؤمنان می‌شود؛ حیات طیبه،

مفهومش آن‌چنان وسیع و گسترده است که همه اینها و غیر اینها را در بر می‌گیرد. در حقیقت موارد نام برده از باب مصادیق می‌باشند. پس حیات طیبه؛ یعنی زندگی پاکیزه از هر نظر؛ پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها، دشمنی‌ها، اسارت‌ها، ذلت‌ها و انواع نگرانی‌ها و هر گونه چیزی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد. (مکارم شیرازی، ج ۱۱، ۳۹۴)

به دیگر سخن، حیات طیبه؛ یعنی زندگی‌ای که نیازهای مادی، جسمانی و معنوی - چه علمی، چه عملی، چه روحی - آدمی را پاسخ گو باشد. (خامنه‌ای، ج ۶، ۲۵).

تمایل انسان به یک زندگی گروهی و اجتماعی از دوران باستان و زندگی اولیه مشاهده می‌شود و این تمایل در قالب تجمع‌های گوناگونی تا به امروز شکل گرفته است. ظهور سازمان‌ها و لازمه انجام امور افراد در یک قالب تعریف شده و با هدف، نشان از آن دارد که انسان خواسته یا ناخواسته به دنبال چیزی است که در نگاه خود در اهداف سازمان‌ها آن را تعریف می‌کند، ولی واقعیت این است که هدف غایی انسان سعادت و رسیدن به کمال است، لیکن این مهم چون درسی است که پیش نیازهای آن می‌بایست در قالب اهداف کوتاه مدتی قابل دسترس شده و زمینه رسیدن به آن را فراهم نماید. انسان جهت امرار معاش و گذران زندگی که آن هدف را دنبال می‌کند در اجتماعات و سازمانها فعالیت می‌نماید و این امر موجب می‌شود خصوصیات را از خود بروز دهد که برای اعضاء سازمان و هموعان خود جالب می‌باشد و زمینه مطالعات و تحقیقات را در عرصه زندگی مادی انسان فراهم آورده است. خلع بوجود آمده در این میان آن است که برخی انسان‌های غافل، بدون توجه به سعادت واقعی و صراط مستقیم "خالق کریم" اهداف خرد دنیوی را ملاک زندگی خود قرار داده و فقط به آن می‌اندیشند و این اندیشه ویژگی‌ها و خصوصیات رفتاری آنها را دگرگون نموده و از آنها موجودی غیرقابل پیش‌بینی می‌سازد تا عرصه تحقیقات متنوع شده و نتایج حاصله محققین متفاوت شود.

مدیریت را شاید در این نگرش بتوان چنین تعریف کرد:

مجموعه‌ی اعمالی که با آگاهی از دستورات خداوند متعال موجبات اطاعت افراد و جوامع از اوامر الهی (تبعیت از هدایت تشریحی) و فعل و انفعالات محیطی (نظم تکوینی)

شود.

در تفسیر و توضیح این تعریف می توان چنین گفت که بین هدایت تشریحی و نظم تکوینی رابطه ای مثبت و تعاملی دقیق وجود دارد و برخورداری از وجود مثبت و آثار سودمند و آینده های موجود در طبیعت، در اثر پیروی از " ما انزل الله " امکان پذیر بوده و بر عکس هر گونه بی توجهی و انحراف از دستورالعملهای آسمانی فساد جریانهای طبیعی زیست محیطی را به دنبال خواهد داشت و روز سالم آن را دچار اختلال خواهد نمود. لذا مدیران به عنوان متولیان این امر و کسانی که آهنگ حرکت به سوی سعادت را می نوازند، می بایست با اعمال نفوذ و ایجاد انگیزه این رابطه را به طور صحیح تشریح و تدوین نمایند. پس مدیران و محققان می بایست دنبال راههای شناخت روابط علت و معلولی بین این دو باشند و اهمیت آن را در سعادت بشر تشریح و آن را در مجموع زیر سیستمهای سازمانی مورد بررسی قرار داده و اطلاع رسانی نمایند، تا همگان بدانند که خطرات ناشی از انحراف و نتایج سوء عملکردشان چه خواهد بود و شاهد این ادعا را آیه ۱۹ سوره رعد قرار دهند که:

انما انزلنا الیک من ربک الحق " تنها آنچه که از جانب پروردگارت به تو نازل شده است حق و ضرورت بی مثال هستی در جهت تحقق هدف آفرینش و ابزار نیل به سعادت موعود است . "

نتیجه این که به عنوان محقق در علوم مدیریتی می بایست مطالعات سازمانی و رفتاری را به عنوان یک مطالعه خرد از سعادت کلان انسان در نظر گرفته و اهداف و راهبردهای سازمانی را اهدافی جزئی از هدف خلقت و آفرینش انسان داشته و مطالعات و رهنمودهای خود را جهت تحقق اهداف به کار بندیم و در این مسیر آیه ۴۷ سوره نساء را سرلوحه امور قرار دهیم.

و کان الله شاکرا علیها یعنی خالصانه دل به صاحبدل بسپار که پذیرا و قدرشناس علیم اوست.

چگونگی رسیدن به هدف و مشیت الهی:

آنچه که امروز به عنوان مدیریت منابع انسانی، مدیریت استراتژیک، مدیریت بحران، برنامه ریزی استراتژیک و ... ما را در رسیدن به هدف راهنمایی می نماید حاصل مطالعات درون سازمانی و تحقیقات جامعی در سطوح مختلف و جوامع گوناگون بر رفتار افراد در موقعیت های مختلف می باشد که با سعی و خطا و تکرار و تمرین حاصل گردیده و همچنان ادامه دارد. ولی نباید قافل بود که خداوند در سوره بلد می فرماید: همانا انسان را در رنج آفریدیم. یعنی این که رنج و مرارت های زندگی لازمه حرکت هوشیاران عالم در بستر کمال خواهد بود و تمام دانشمندان و متفکران اعم از محققین علم مدیریت یا دیگر علوم بدانند که رنج و ناکامیهای فراوان آنها باعث زندگی تلقی نمی شود بلکه به فرمایش قرآن کریم " دردها و رنجها در چارچوب حکمت الهی، لازمه زندگی و چاشنی آن به منظور رسیدن به کمال از طریق بندگی حق تعالی است. و در برنامه ریزی های مادی و راهبردهای مطالعه شده مشیت الهی فراموش نشود چرا که خداوند به صراحت در آیه ۲۳ سوره کهف فرموده اند:

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا . یعنی هرگز نگویند که من این کار را فردا

انجام می دهیم و در ادامه آیه می فرماید:

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا . مگر آنکه (بگویی اگر) خدا بخواهد ، و هر گاه (ان شاء الله گفتن را) فراموش کردی پروردگار خود را به یاد آر و بگو: امید است پروردگار مرا به (راهی) نزدیکتر از این به رشد و صواب هدایت نماید. یعنی کلام خود را مقید به مشیت الهی کنید پس برای رسیدن به اهداف سازمانی و دنیوی باید کوشید و رنج و مشقت دنیوی را تحمل و دل و دیده خود را آبدیده نمود تا با تعقل به هدف نهایی رسید و هدف نهایی دارالسلام است یعنی سرای صلح و آرامش مطلق و آنجا نیست جز آخرت که در آن برای مومنین هیچ درد و رنجی وجود ندارد.

ویژگی‌های مدیران در سازمان‌ها

در تفکر شیعی، ضرورت مدیریت را باید در امامت جستجو کرد. زیرا امامت از نظر شیعه، به عنوان یک اصل اعتقادی، چیزی جز مدیریت جامع و کامل نیست، الامامه ریاسة عامه فی امور الدین و الدنیا، ((امامت، ریاستی عمومی در امور دین و دنیاست)). (برادران حکیمی، جلد ۲، ص ۳۶۵).

شجره طیبه امامت، ریشه در زمین وحی دارد و با آب عصمت و طهارت سیراب می‌گردد و از نور وجودی نبوت تغذیه می‌کند و شاخه‌های سرسبزش بر سر امت اسلامی و جامعه بشری سایه می‌افکند، مدیریت یکی از شاخه‌های این درخت تناور است. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: فبعث فیهم رسله و واتر الیهم انبیائه . . . لیشروا لهم دفائن العقول، ((خداوند پیامبران خود را در میان مردم برانگیخت تا با مدیریت خویش ذخایر پنهان استعدادها را استخراج کنند)). در نظام اداری و اجتماعی اسلامی، مدیریتها از امامت ریشه می‌گیرند، در واقع باید گفت: مشروعیت مدیریت در جامعه دینی ناشی از پیوندی است که با امامت دارد. هرگاه این رابطه قطع گردد، کلیه حرکات مشروعیت و خاصیت خود را از دست می‌دهند. آنچه که باید بدان اشاره کرد، این است که مشکل جامعه ما مشکل کمبودها نیست، بلکه مشکل ضعف بعضی از مدیریتها است که هرگاه با الهام از مبانی معنوی اسلام اصلاح گردد، بسرعت می‌توان بر مشکلات فایق آمد. (عظیم زاده، ۱۳۸۶)

امیر مومنان همچنین در خطبه ۴۰۲ نهج البلاغه می‌فرماید: همانا سزاوارترین مردم به فرماندهی کسی است که تواناترین آنها بر اجرای امور و داناترین آنها به فرمان خداوند در فهم مسایل باشد.

آنچه بدیهی است این است که انسان برای نیل به هدف که در فلسفه خلقت، کمال و سعادت و در سازمانها اهداف از پیش تعیین شده هر سازمانی تعریف شده، نیازمند مدیر و راهنما می‌باشد. لذا فردی که برای این مهم انتخاب می‌شود باید ویژگی و توانایی داشته باشد که می‌توان آن را در چهار مقوله خلاصه کرد:

۱- توان شناخت خصائل و ویژگیهای وجود انسان و نحوه بروز آنها

۲- توان شناخت انواع شیوه‌های رفتاری افراد و گروه‌های سازمانی
۳- توان شناخت و آگاهی از انگیزه‌ها و محرک‌های اشخاص که منجر به ایجاد نحوه‌ی خاصی از رفتار می‌شود.

۴- توان شناخت و استفاده از انواع دانشها و علوم به منظور رهبری موثر بر افراد
لیکن بزرگترین چالش امروز بشری انتخاب مدیران و راهبرانی است که توان هدایت این کشتی را به سر منزل مقصود داشته باشند.

استاد شهید مطهری در مقاله "مدیریت و رهبری در اسلام" رهبری و مدیریت را مستلزم نوعی رشد می‌داند و رشد را به معنای شناخت، لیاقت و شایستگی، حفظ و نگهداری و در انتها بهره‌برداری از امکانات و سرمایه‌های مادی و معنوی که در اختیار انسان است.

آیت الله مصباح ویژگی مدیران اسلامی را اینگونه بر می‌شمارد:

۱. هدف او از انجام کار، کمال معنوی و قرب الی الله است. اولویت با کاری است که برای هدف مفید تر باشد
۲. او به نفع شخصی خود نمی‌اندیشد بلکه هدف انتفاع مجموعه انسان‌هایی است که در این مسیر قرار دارند، حال ممکن است از این طریق منافع شخصی او نیز تامین شود.
۳. جلوگیری از وابستگی اجتماعی درازمدت، یعنی ممکن است کاری در زمان حال به نفع جامعه باشد، اما در درازمدت موجب وابستگی اجتماعی و سیطره اقتصادی دشمنان شود.

مدیر لایق و شایسته از دیدگاه اسلام حداقل باید این ویژگی‌ها را داشته باشد، ایمان و ارتباط با خداوند، مهر و عطوفت نسبت به مردم، سعه صدر، صبر و شکیبایی در برخورد با مسائل، شایستگی و لیاقت در انجام امور، ریاست‌طلبی و خودکامه نبودن، تفویض اختیار و مسئولیت‌خواهی، مراقبت و نظارت، مشورت با افراد صالح و شایسته، وفای به عهد، عدم احتجاب و احتراز از فاصله گرفتن از مردم، عدم سوء استفاده خود و وابستگان از امکانات، داشتن روحیه انتقادپذیری، برقراری عدالت، قضاوت و داوری بر اساس حق و عدالت. (مشتاق، ۱۳۸۵)

امام علی (ع) به مالک اشتر رعایت تقوای الهی، مقدم داشتن اطاعت او بر هر چیز و

پیروی از دستورات وی را فرمان می‌دهد... و نیز دستور می‌دهد که شهوات نفسانی را شکسته و خوار نموده، در مقابل تهاجمات شهوانی خویشنداری کند؛ زیرا نفس انسان را به بدی وادار می‌کند مگر کسی را که مورد رحم الهی قرار گیرد. (نامه ۵۳ نهج البلاغه)

در کنار تقوای دینی و سیاسی امام علی (ع) به کارگزاران و والیان خود توصیه به تقوای اخلاقی نیز می‌دهند. چنانکه امیرالمومنین (ع) هنگامی که محدبن‌ابی‌بکر را استاندار مصر نمود، در آغاز فرمانش به او دستور تواضع، نرمش و مساوات را داد. (نامه ۲۷)

امام (ع) در فرمانش به مالک اشتر، عالی‌ترین تعبیرهای عاطفی و احساسی درباره محبت به مردم را به کار برده می‌فرماید: ای مالک، دل خویش را در پوششی از رأفت به رعیت و محبت به آنان و لطف بدیشان قرار بده، زیرا آنها از دو گروه بیرون نیستند، یا برادر تو می‌باشند و یا انسانی چون تو هستند. آری آن کارگر مسلمان برادر استاندار است و آن کشاورز ذمی انسان چون او می‌باشد. (نامه ۵۳)

تقوای مالی نیز از دیگر مواردی است که حضرت علی (ع) درباره آن به کارگزارانش به رعایت آن توصیه می‌فرماید. حضرت در توصیه اش به فرماندار آذربایجان ضمن امانت خواندن حکومت می‌نویسد: برخورد زمامدار اسلامی با آن (حکومت) باید برخورد یک امانتدار باشد نه یک طعمه‌خوار. (نامه ۵) شریح قاضی منزلی را به هشتاد دینار خریده بود. هنگامی که گزارش آن به امام رسید، آن حضرت نامه بسیار توییح آمیزی برای وی نوشت و فرمود: آگاه باش! به زودی نزد تو می‌آید کسی که نه نگاهی به سند منزلت می‌کند و نه سؤالی از شاهدانت می‌نماید، تا آنکه تو را به نقطه‌ای دور با چشمانی که از حسرت خیره بدان شده است ببرد و یکه و تنها به قبر و گور تسلیم نماید. (نامه ۳)

می‌توان از کلام خداوند متعال در قرآن کریم بهره جست که بهترین الگو و راهنمای انتخاب را در پیش روی ما قرار داده و افرادی را تحت عنوان صاحبان خرد معرفی نموده است. در قرآن مجید در شانزده مورد از خردمندان، تحت عنوان "اولوالالباب" یاد شده است. که از حیث معنی در لغت، جمع لب یعنی مغز گردو است و اصطلاحاً عقل و خرد معنی می‌شود. بنابراین می‌توان اولوالالباب را صاحبان خرد معنی کرد. و در آیه ۳۵ سوره احزاب خصوصیات الصالحین، الصادقین، الحافظین فروجهم، القانتین، الذاکرین، الصابرين، المتصدقین را به عنوان خصوصیت انسان کامل بیان می‌کند.

نتیجه گیری

دین اسلام و رسول خدا (ص) به استناد آیه ۴۰ سوره احزاب که می‌فرماید: ما كان مُحَمَّدٌ اَبَا اَحَدٍ مِّنْ رِّجَالِكُمْ وَ لَكِن رَّسُولَ اللّٰهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا . به عنوان آخرین دین و خاتم پیامبران معرفی شد. علت این ختمیت عدم تحریف قرآن کریم و جامعیت قوانین مطرح شده در آن است. بنابراین وظیفه هر محقق مسلمان است که در راستای پاسخ به نیازهای متغیر انسانها که با توجه به شرایط اجتماعی، جغرافیایی، سیاسی و ... در حال تغییر و دگرگونی است، متناسب با تخصص و مهارت خود با توجه عمیق به مفاهیم این دایره المعارف کمال و سعادت مطالعات خود را گسترش داده و با انطباق قوانین و اوضاع با فرامین قرآن کریم و احادیث اهل بیت ضمن گسترش و جهانی نمودن دین مبین اسلام راه را برای رسیدن به سرمنزل مقصود مهیا سازد و بی شک توصیه‌ها و سفارشات گوناگونی در این راستا قابل تامل بوده و لزوم ترویج آن به زبان ساده و تخصصی امری است که امر به معروف و نهی از منکر یکی از این مهم‌هاست که در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران این چنین تاکید شده است :

كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَ لَوْ اٰمَنَ اَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ اَكْثَرُهُمُ الْفٰسِقُونَ .

شما از ازل بهترین امتی بودید که برای مردم پدید آمدید . چون امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید . اگر اهل کتاب هم ایمان می‌آوردند ، برایشان بهتر بود ، لیکن بعضی از آنان مؤمن و بیشترشان فاسقند .

و مولا علی (ع) نیز در حکمت ۲۵۲ ضمن بیان جامعه‌ای از مسائل زندگی در این باره می‌فرماید:

فَرَضَ اللّٰهُ الْاِيْمَانَ تَطْهِيرًا مِّنَ الشُّرْكِ وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيْهًا عَنِ الْكِبْرِ وَ الرِّكَاءَةَ تَسْبِيْحًا لِلرِّزْقِ وَ الصِّيَامَ اِتِّبَاعًا لِاِخْلَاصِ الْخَلْقِ وَ الْحَجَّ تَقْرِيْبَةً لِلدِّيْنِ وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِاِسْلَامِ الْاُمَمِ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلسُّفْهَاءِ وَ صِلَةَ الرَّحِمِ مَنَامَةً لِلْعَدَدِ وَ الْقِيَاصَ حَقْنًا لِلدِّمَاءِ وَ اِقَامَةَ الْحُدُوْدِ اِعْظَامًا لِلْمَحَارِمِ وَ تَرْكَ شُرْبِ الْخَمْرِ تَحْصِيْنًا لِلْعَقْلِ وَ مُجَابَبَةَ السَّرِيْقَةِ اِيْجَابًا لِلْعِفَّةِ وَ تَرْكَ الرِّزْنِ تَحْصِيْنًا لِلنَّسَبِ وَ تَرْكَ اللُّوْاطِ تَكْثِيْرًا لِلنَّسْلِ وَ الشَّهَادَاتِ اسْتِظْهَارًا

عَلَى الْمُجَاحِدَاتِ وَ تَزَكِ الْكُذِبِ تَشْرِيفاً لِلصِّدْقِ وَ السَّلَامَ أَمَاناً مِنَ الْمَحَاوِفِ وَ الْأَمَانَةَ نِظَاماً
لِلْأُمَّةِ وَ الطَّاعَةَ تَعْظِيماً لِلْإِمَامَةِ

خدا "ایمان" را برای پاکسازی دل از شرک ، و "نماز" را برای پاک بودن از کبر و خودپسندی و "زکات" را عامل فزونی روزی، و "روزه" را برای آزمودن اخلاص بندگان ، و "حج" را برای نزدیکی و همبستگی مسلمانان ، و "جهاد" را برای عزت اسلام، و "امر به معروف" را برای اصلاح توده های ناآگاه ، و "نهی از منکر" را برای بازداشتن بی خردان از زشتی ها ، "صله رحم" را برای فراوانی خویشاوندان ، و "قصاص" را برای پاسداری از خون ها، و اجرای "حدود" را برای تحقق عفت ، و ترک "زنا" را برای سلامت نسل آدمی ، و ترک "لواط" را برای فزونی فرزندان ، و "گواهی دادن" را برای به دست آوردن حقوق انکار شده ، و ترک "دروغ" را برای حرمت نگهداشتن راستی ، و "سلام" کردن را برای امنیت از ترس ها، و "امامت" را برای سازمان یافتن امور امت، و "فرمانبرداری از امام" را برای بزرگداشت مقام رهبری، واجب کرد.

پس کاملترین و جامع ترین خط مشی زندگی و شیوه مدیریت و راهنمای زندگی خصوصی و کاری ما در این چنین دستورات و فرامینی نهفته است که می بایست به شکلی علمی و متناسب با نیاز جامعه و افراد آن و به زبان روز تفسیر و در اختیار همگان قرار گیرد، باشد که خداوند از این رهگذر عنایت ویژه‌ای نصیب مخلوق خود کرده و سعادت‌مند گرداند.

فهرست منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۷۹، انتشارات پارسیان، قم
۱. تفسیر المیزان. تالیف سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ۱۳۸۲، دفتر انتشارات اسلامی، قم
 ۲. جعفری تبریزی، محمد تقی، ۱۳۷۶، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران
 ۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۱، شرح نهج البلاغه، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع)، اصفهان
 ۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۶، مدیریت و فرماندهی در اسلام، مدرسه الامام علی ابن ابیطالب (ع)، قم
 ۵. نراقی، ملا احمد، ۱۳۹۵، معراج السعاده، نشر آبان، قم
 ۶. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۸، کلام جدید با رویکرد اسلامی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، نشر معارف، قم
 ۷. رحیم پور، فروغ السادات، ۱۳۸۵، معاد از دیدگاه امام خمینی (س) - تبیان آثار موضوعی (دفتر سی ام)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، موسسه چاپ و نشر عروج
 ۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۵، مجموعه آثار (۱۴)، صدر، تهران
 ۹. حسینی خامنه ای، علی، ۱۳۸۸، سایه سار ولایت، ج ۶، نشر معارف، قم
 ۱۰. حسینی خامنه ای، سید علی سایت مقام معظم رهبری (مدظله العالی)
 ۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، دارالکتب السلامیه، تهران
 ۱۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، دارالکتب العلمیه، بیروت
 ۱۳. فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۸ ق، الاصفی فی تفسیر القرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم

۱۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت
۱۵. نصری، عبدالله، ۱۳۸۲، فلسفه آفرینش، دفتر نشر معارف، قم
۱۶. ریچارد اسکات، سازمانها و سازماندهی، ترجمه سیدرضا سیدجوادین، ۱۳۹۱، مروارید، تهران.
۱۷. حکیمی، محمدرضا و برادان، الحیات، جلد ۲
۱۸. عظیم زاده اردبیلی، فائزه، ۱۳۸۶، تئوری مدیریت از دیدگاه امام علی (ع)، فصلنامه ندای صادق، شماره ۲۰
۱۹. مشتاق، زینب، ۱۳۸۵، خصوصیات یک مدیر لایق و شایسته از دیدگاه اسلام، توسعه مدیریت شماره ۷۲
۲۰. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۱، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۲۱. مطهری، مرتضی، فطرت، -سایت www.mortezamotahari.com
۲۲. مطهری، مرتضی، تکامل اجتماعی انسان، -سایت www.mortezamotahari.com

